

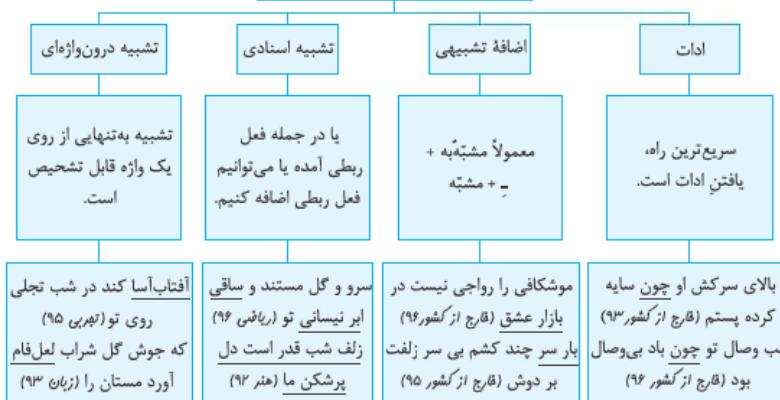
# ست فر

۷	درس نامه لغت دهمن
۲۱	درس نامه لغت یازدهم
۳۶	درس نامه لغت دوازدهم
۵۵	تنستهای لغت دهمن
۶۰	تنستهای لغت یازدهم
۶۵	تنستهای لغت دوازدهم
۷۱	درس نامه املای دهمن
۸۳	درس نامه املای یازدهم
۹۱	درس نامه املای دوازدهم
۹۸	تنستهای املای دهمن
۱۰۳	تنستهای املای یازدهم
۱۰۸	تنستهای املای دوازدهم
۱۱۳	درس نامه تاریخ ادبیات دهمن
۱۱۹	درس نامه تاریخ ادبیات یازدهم
۱۲۵	درس نامه تاریخ ادبیات دوازدهم
۱۳۱	تنستهای تاریخ ادبیات دهمن
۱۳۳	تنستهای تاریخ ادبیات یازدهم
۱۳۶	تنستهای تاریخ ادبیات دوازدهم
۱۳۹	درس نامه آرایه‌های ادبی
۱۴۹	تنستهای آرایه‌های ادبی
۱۷۷	درس نامه زبان فارسی
۲۳۱	تنستهای موضوعی زبان فارسی
۲۵۱	تنستهای جامع زبان فارسی
۲۵۷	درس نامه قرابیت معنایی دهمن
۲۶۲	درس نامه قرابیت معنایی یازدهم
۲۶۷	درس نامه قرابیت معنایی دوازدهم
۲۷۰	تنستهای جامع قرابیت معنایی
۲۹۳	پاسخ نامه تشریحی
۳۵۲	آرمون‌های جامع
۳۷۵	پاسخ نامه کلیدی

## ارکان تشبیه



## روش‌های یافتن سریع تشبیه



برای یافتن سریع تشبیه:

الف) توجه به ادات تشبیه:

## مثال

- چون نگاه آشنا از چشم یار افتاده‌ام (انسانی ۸۵)
- چنگ نمی‌توان زدن زلف خمیده تو را (انسانی ۸۹)
- رو ترش کردن شیرین به شکرمی‌ماند (هنر ۸۵)
- بهسان دیگ دائم می‌زند جوش (تجربی ۹۵)
- روزگاری شد ز چشم اعتبار افتاده‌ام
- قامتم از خمیدگی صورت چنگ شد ولی
- شور فرهاد کجا کم شود از پاسخ تلخ
- ز تاب آتش سودای عشقش

### ب) مشخص کردن اضافه‌های تشبیه‌ی<sup>۱</sup>

#### مثال

پیگ صبا روانه شهر سبا بین (رباعی ۸۵)  
خورشید پیش آتش روی تو کرده، خوی (رباعی ۹۰)  
بر آن غریب ما چه گذشت ای صبا بگو (خارج ازکشور ۹۶)

آهی روان به کشور بلقیس کرده‌ام  
ای از حیاک لعل لبت گشته آب، می

جان‌ها ز دام ژلف چو بر خاک می‌فشدند

#### پ) یافتن تشبیه استنادی<sup>۲</sup>

#### مثال

شبش، موتاج باد و روز، نوروز (انسان ۸۱)  
شاهد ما آیتی است، وین همه تفسیر او (خارج ازکشور ۹۲)  
گر نوازش یابم از ایام رسوا می‌شوم (انسان ۹۶)

جمالش باد دائم عالم‌افروز  
سعدی شیرین‌زبان، این همه شور از کجا؟

سازی آهنگم و یکسر نوایم خارج است

#### ت) توجه به تشبیهات درون‌وازه‌ای<sup>۳</sup>

#### مثال

گل به سر خواهی زدن از گلبن بستان عشق (تعجبی ۸۸)  
جانت فدا که بس خوشی جان و جهان کیستی (تعجبی ۹۰)

فصل گل گراشک گلگونت ز سرخواهد گذشت  
تیرقدی کمان‌کشی زهره‌رخی و مهوشی

#### ث) توجه به مهم‌ترین نوع سوال تشبیه: مشتبه در مصراج اول و مشتبه در مصراج دوم:<sup>۴</sup>

#### مثال

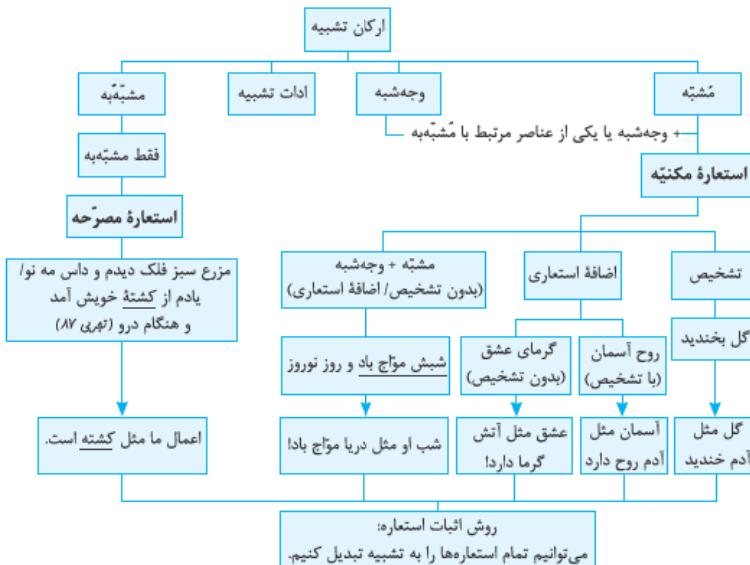
زان که بر من رحمتی از عالم بالاست این (تعجبی ۹۱)  
خاک راهی است که در دست نسیم افتاده است (عتر ۹۱)  
شمع همه عالم است لعبت شیرین ماست (خارج ازکشور ۹۶)

سایه بالای آن سرو از سر من کم مبارد  
دل من در هوس روی تو ای مونس جان

آن صنم دلروز، یار نوآین ماست

#### استعاره

همان طور که می‌دانید استعاره از آرایه تشبیه زاده می‌شود، به شکل زیر:



۱- توجه: به اضافه‌های تشبیه‌ی، «تشبیه بلیغ اضافی» نیز می‌گویند.

۲- توجه: در تشبیه استنادی اگر فقط مشبه و مشبه‌یه ذکر شود، به آن نیز «تشبیه بلیغ استنادی» می‌گویند.

## ﴿(۱) شکل‌های مختلف استعارة مکتّبی﴾

الف) استعارة مکتّبی از نوع تشخیص،

## مثال

- بشنو که پند پیران هیچ‌ت زیان ندارد (خارج از کشور<sup>۱۵</sup>)
- کاین قافله باید جرسی داشته باشد (انسانی<sup>۹۶</sup>)
- بر آن غریب ما چه گذشت ای صبا<sup>۱</sup> بگو (خارج از کشور<sup>۱۶</sup>)

ب) استعارة مکتّبی از نوع اضافه استعاری، مضاف آن ویژگی یا عضوی از انسان است و هم تشخیص داریم، هم استعارة مکتّبی.

## مثال

- از دل پرخون تراووش کم کند اسرار عشق پرده‌پوش راز گوهر سینه دریا بس است (انسانی<sup>۹۵</sup>)
- چشم فلک چون تو آفتاب نبیند روح ز تو خوبتر به خواب نبیند (خارج از کشور<sup>۱۷</sup>)

ب) استعارة مکتّبی از نوع اضافه استعاری، مضاف از انسان نیست و فقط استعارة مکتّبی داریم.

## مثال

- فردا که پیشگاه حقیقت شود پیدید شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد (انسانی<sup>۸۲</sup>)
- گردد از دست نوازش پایه معنی بلند مور را شیرین سخن دست سلیمان کرده است (تجربی<sup>۹۳</sup>)

ت) استعارة مکتّبی که فقط مشبه ذکر می‌شود با ویژگی یا عنصر مرتبط با مشبه (بدون تشخیص یا اضافه استعاری):

## مثال

- هر که خاک در میخانه به رخساره نزفت (خارج از کشور<sup>۹۵</sup>) تا ابد بوی محبت به مشامش نرسد رخساره: (مشبه)، ُزقتن (وجه شبه)

## ﴿(۲) شکل‌های مختلف استعارة مصّرّحة﴾

الف) استعارة مصّرّحة با نام چهاربیان و پرندگان،

## مثال

- دل وحشت‌زده با هیچ کسم رام نبود (انسانی<sup>۹۰</sup>)
- که آهوی ختن آمد به سیر چشم سیاهش (خارج از کشور<sup>۹۰</sup>)

ب) استعارة مصّرّحة با نام گل و گیاه و درخت و ...

## مثال

- سبلش غارت ایمان نکند چون نکند (انسانی<sup>۹۲</sup>)
- نگاه داشت غزالی دل مرا به نگاهش هفتادی می‌رود از عمر و به ۵۰ روز کشید (خارج از کشور<sup>۹۶</sup>)

ب) استعارة مصّرّحة برای دنیا و جهان،

## مثال

- یک سر به پای همت از این دامگاه دیو چون مرغ ببرید و مقر بر قمر گنید (زبان<sup>۸۷</sup>)
- که در این میکده جم را به جز از جام نماند (خارج از کشور<sup>۹۶</sup>)

۱- توجه: هرگاه «ای» حرف ندا، برای غیر انسان ذکر شود، تشخیص و استعارة داریم.

۲- تمام استعارة‌های مصّرّحة، «مجاز» نیز هستند، چون اسم‌هایی که برای استعارة می‌آیند در معنای حقیقی خود در بیت کاربرد ندارند و مجاز هم دارند.



ث) استعارة مصترحه با نام سنگ‌های قیمتی:

### مثال

از گرد یتیمی است همان پیرهن ما (هنر ۹۶)  
باری از آن تیرمزگان گر که نیش آید خوش آید (انسانی ۹۵)

- از گوهر ما گرچه خورد چشم جهان آب سال‌هازان لعل نوشین کامران بودیم و اکنون

ج) استعارة مصترحه از موضوعات دیگر:

### مثال

مهر لب او بر در این خانه نهادیم (خارج از کشور ۹۶)  
شمع همه عالم است لعبت شیرین ماست (خارج از کشور ۹۶)

- در دل ندهم ره پس از این مهر بتان را آن صنم دلفروز یار نوایین ماست

ج) مهم‌ترین نوع استعارة مصترحه:

### مثال

رفته‌رفته زین صدای آب خوابم می‌برد (خارج از کشور ۹۶)  
که خواهد ساختن این نقطه بی‌پرگار عاشق را (خارج از کشور ۹۶)  
ای ساربان فروکش کاین ره کران ندارد (خارج از کشور ۹۵)

- غفلت من از شتاب زندگی خواهد فزود
- فریب خال گندمگون او خوردم ندانستم
- سر منزل فراغت نتوان ز دست دادن

### رجاز

«رجاز» یعنی به کار بدن کلمه‌ای در غیر معنای حقيقی؛ مثلاً:

محاجه قصه نیست، گرت قصد خون ماست چون رخت‌آن توست، به یغمache حاجت است؟

«خون» در معنای حقيقی همان مایع سرخ‌رنگ است، ولی در این بیت «خون» در معنای مجازی و غیرواقعی خود؛ یعنی، «کشن» آمده است، چون «خون‌ریختن» سبب «کشته شدن» می‌شود.  
برآشتft عابد که خاموش باش تو مرد زیان نیستی، گوش باش  
«زیان» همان گوشت قرمزنگ در دهان است! ولی در بیت بالا در معنای مجازی «سخن» آمده است،  
چون «زیان» آلت و وسیله «سخن‌گفتن» است.

همان طور که می‌بینید باید بین معنای حقيقی و مجازی رابطه‌ای باشد که به آن اصطلاحاً «علاقة» می‌گویند.

**نکتمهم** تمام استعاره‌های مصترحه مجازند با رابطه شباهت، در واقع، استعارة مصترحه قسمتی کوچک از خانواده بزرگ «رجاز» هاست که آن را به عنوان آرایه جدایگانه بررسی کرده‌ایم. به یک نمونه از کتاب درسی توجه کنید:

تاتورا جای شد ای سرو روان در دل من، هیچ کس می‌نیسندم که به جای تو بود  
در این بیت «سرو» استعاره از معشوق است و در معنای مجازی هم به کار رفته است، چون منظور «سرو» واقعی که در باغ و بوستان است، نیست.

چند نمونه از مجازها:

الف) واژه‌هایی که اسم مکان یا چایی است و منظور آدم‌هایی است که در آن جاست:

### مثال

برآشت ایران و برخاست گرد همی هر کسی کرد ساز نبرد (انسانی ۸۶)  
با همه تیغ برکشم وز تو سیر بیفکنم (رباضی ۹۱)

- برآشت ایران و برخاست گرد همی هر کسی کرد ساز نبرد
- با همه تیغ برکشم وز تو سیر بیفکنم

ب) واژه‌هایی که جزئی از کل هستند:

### مثال

- پیش دیوار آن چه گویی، هوش دار
- سوت در فصل گلم حسرت بی‌بال و پری (انسانی ۹۳)
- نیندارد ز جوش خویشتن سیلاپ دریا را (خارج ازکشور ۴۶)
- پ) گاهی سبب و وسیله چیزی جانشین آن چیز می‌شود:

### مثال

- چند دام از زهد سازی و دم از طاعت زنی
- ماهم از دام تو دوریم و هم از دم فارغیم (ربایضی ۹۵)
- نیکی پیر مغان بین که چو ما بدمسitan
- ت) گاهی دو کلمه با هم مفهوم مجازی می‌سازند:

۱۵۰

### مثال

- حرفی ز عشقم آموخت زان آتشی برافروخت
- کز پای تا سرم سوت است شور و فتنه‌ها کرد (انسانی ۹۲)
- ماه و پروین از خجالت رخ فروپوشد اگر آفتاب آسا کند در شب تجلی روی تو (تجربی ۹۵)

## رواج آرایی (نغمه حروف)

واج‌آرایی، تکرار یک صامت یا مصوت در بیت یا عبارت به گونه‌ای که کلام را آهنگین کند؛ مثلاً تکرار «خ» و «ز» در بیت زیر:

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است      باد خنک از جانب خوارزم وزان است

یا تکرار «خ» و «ج» در بیت زیر که حسن خشونت را القا می‌کند:

بر او راست خم کرد و چپ کرد راست      خروش از خم چرخ چاچی بخاست

## ایهام

ایهام، در لغت به معنی «به گمان افکنندن دیگران» و در اصطلاح آوردن کلمه یا عبارتی است که دارای دو معنی باشد و هر دو معنی موردنظر شاعر بوده و در بیت درست باشد.

بهترین راه آموختن ایهام این است که شما بدانید معانی مختلف کلمات ایهام‌دار چیست و از طرف دیگر به طور کاربردی آن را در ابیات زیر تجربه کنید. بعد از خواندن و تمرین کردن ابیات زیر، «ایهام» برایتان یکی از شیرین‌ترین آرایه‌ها خواهد بود.

### مثال

- ذکر تو بر زبان من مخفی و آشکار هم (انسانی ۹۶)
- شاد ز تو روان من، زنده به بوت جان من
- ب) ۱- رایحه - آزو
- مسنتی بنده هم به دعا آرزو کنید (تجربی ۹۵)
- مدام: ۱- دادمه- همیشه -۲- شراب روزانه
- این گریه که دور از لب خندان تو کردم (انسانی ۹۶)
- چون مست می‌شوید ز شرب هدام دوست
- یعقوب نکرد از غم نادیدن یوسف
- دور از تو: ۱- از تدور باد -۲- به خاطر دوری از تو



- بالای سرکش او چون سایه کرده پستم (انسانی ۹۳)  
تاب: ۱-تاب و توان ۲-تابش و نور [۳-پیچ و تاب و ...]  
حالا چشم جهانی نگران من و توست (انسانی ۹۱)  
نگران: ۱-مضطرب ۲-در حال نگاه کردن  
خدادوندا نگه دارش که بر قلب سواران زد (بیاضی ۹۶)  
قلبه: ۱-دل ۲-وسط سپاه [۳-سکنه تقانی]  
دگر نتوان به دستان پای او بست (خارج از کشور ۹۰)  
دستان: ۱-دستانها ۲-مکروهیه [۳-لقب پدر رستم]  
وعظت آن گاه کند سود که قابل باشی (خارج از کشور ۸۹)  
پرده: ۱-جواب (در پرده: بهطور تهاتی) ۲-پرده موسیقی، تغمه آهنگ  
که لاله می‌دمد از خون دیده فرهاد (بیاضی ۹۶)  
شیرین: ۱-مزه شیرین ۲-نام مشعوقه خسرو و فرهاد  
زین به ندیده‌ایم که در بوستان توست (انسانی ۹۶)  
پنهان: ۱-میوه پنهان ۲-جهت  
که به گلزار لطفات گل خندان بودی (انسانی ۹۴)  
هوا: ۱-عشق ۲-هوای گه جریان دارد  
تو شوخی‌دهمگس (نمایشی شرم) بین کمی کنیازی (انسانی ۸۵)  
بازی: ۱-بازی کردن ۲-باز شکاری بودن  
چون نامه چرا یکدمش از لطف نخوانی (انسانی ۸۵)  
قلم‌گردن: ۱-قلم‌نوشت ۲-قلم‌گردن و بریدن  
تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا (انسانی ۸۸)  
دارا: ۱-تروتمند ۲-داریوش، دارای پادشاه  
صبح یاقوت روان از جام جمدادی مرا (خارج از کشور ۸۸)  
روان: ۱-جاری ۲-روح و روان  
من غلام آن که دوراندیش نیست (بیاضی ۸۹)  
دوراندیش: ۱-آینده‌نگر ۲-کسی که به جدایی و فراق می‌اندیشد.  
بگو با رخ برابر چون شود شاه (تعربی ۹۰)  
رخ (مصراع دوم): ۱-رخ شترخ ۲-چهره و صورت  
چندان ز غمت خاک به سر ریخت که تن شد (هفت ۹۰)  
شد: ۱-گشت (فعل ربطی) ۲-رفت، از بین رفت (فعل غیر ربطی)  
ز عمر مانده روذی می‌شود کم (تعربی ۹۱)  
روزی: ۱-رزق و روزی ۲-یک روز (بای نکره)
- ◆ خورشید عارض او چون ذره برده تاب  
◆ روزگاری شد و کس مرد ره عشق ندید  
◆ خیال شهسواری پخت و ناگه شد دل مسکین  
◆ چو وحشی<sup>۱</sup> مرغ از قید قفس جست  
◆ چنگ در پرده همین می‌دهدت پند ولی  
◆ ز حسرت لب شیرین هنوز می‌بینم  
◆ بسیار دیده‌ایم درختان میوه‌دار  
◆ در هوای تو چو بلبل زدمی نعره عشق  
◆ به راستی که نه هم بازی تو بودم من  
◆ در راه تو حافظ چو قلم کرد ز سر پای  
◆ آینه سکندر جام می‌است بنگر  
◆ شام اگر قوت روانم دادی از خون جگر  
◆ ای دمت عیسی، دم از دوری مزن  
◆ وگر گوید نهم رخ بر رخ ماه  
◆ جان دگرم بخش که آن جان که تو دادی  
◆ غنیمت دان اگر دانی که هر روز

۱- توجه داشته باشید «وحشی» ایهام ندارد، چون ما نمی‌دانیم که این بیت از «وحشی بافقی» هست یا نه. پس نام شاعران زمانی ایهام دارند که حتماً در کتاب درسی آمده باشند و یا طرح سؤال، نام شاعر را در متن سؤال آورده باشد.

- به کام تا نرساند مرا لبیش چون نای  
نصیحت همه عالم به گوش من باد است (هنر ۹۱)
- کام: ۱-دهان-۲-آزو  
کام: ۱-آرامش-۲-جمیعت مردم، آدمها
- گو شمع میارید در این جمع که امشب  
در مجلس ما ماه رخ دوست تمام است (خارج از کشور ۹۱)
- جمع: ۱-آرامش-۲-جمیعت مردم، آدمها
- گرچه در صومعه‌ها پیر شدم آخر کار  
از دم پیر خرابات جوانم کردند (انسانی ۹۲)
- پیرشدن: ۱-کهنسال شدن-۲-به مقام پیری و مرشد و استاد رسیدن
- به شهر عشق منم شهریار و چون حافظ  
منم که شهرة شهرم به عشق ورزیدن (تجربی ۹۳)
- شهریار: ۱-پادشاه-۲-نام شاعر (با توجه به حافظ)
- چو خضرم هر زمان می‌شد حیات جاودان حاصل  
که می در ظلمت شب عین آب زندگانی بود (انسانی ۹۴)
- عین: ۱-مثلی و مانند-۲-چشم-۳-چشم
- به سخن دعوی حق را نتوان برد از پیش  
هر که سر در سر این کار کند منصور است (انسانی ۹۵)
- منصور: ۱-پیروز شده-۲-حاج (عارف مشهور که انا الحق گفت و بردار شد.)
- غمزه و ابروی چون تیر و گمان آفت ماست  
لیک ترکش نکنم گر همه قربان گردیدم (زبان ۹۶)
- قربان: ۱-قربانی-۲-کمان دان، جای گمان
- تا مگر صبح تو سر برزنده از مطلع مهر  
دیده بر چرخ چو مسماز فروذو امشب (خارج از کشور ۹۶)
- مهر: ۱-خورشید-۲-عشق و مهریان
- در عهد تو هر چه من وفا کردم  
پاداش و فای من جفا کردي (زبان ۹۷)
- عهد: ۱-پیمان و میتاق-۲-دوزه و روزگار
- با غبان همچو نسیم ز در خویش مران  
کاب گلزار تو از اشک چو گلنار من است (خارج از کشور ۹۷)
- آب: ۱-آبر و روان-۲-رونق-۳-آبرو
- خط عذریار که بگرفت ماه از او  
خش حلقه‌ای است لیک به در نیست راه از او (انسانی ۹۸)
- حلقه: ۱-حلقه زان-۲-حلقه در
- مستاند همه خانه کسی را خبری نیست  
از هر که در آید که فلان است و فلانه است (خارج از کشور ۹۵)
- کسی را خبری نیست: ۱-همه مست هستند-۲-کسی خبر ندارد.
- نسخه قانون عشقت باید ای بیمار نفس  
تا شفا بخشد دوا با درد نادانی تو (ریاضی ۹۶)
- قانون: ۱-نام کتاب این سینا-۲-قانون و حکم
- گفتم آتش در زنم آفاق را  
گفت: سعدی در تگیرد با منت (تجربی ۹۶)
- در گرفتن: ۱-انگردن-۲-آتش گرفتن (متا مگوییم: کبریت نمی‌گیره!)
- چه سود نوگس سرمست را نصیحت بلبل  
که هیچ فایده نبود اگر هزار بگوید (خارج از کشور ۹۶)
- هزار: ۱-عدد هزار-۲-بلبل
- موشکافی را رواجی نیست در بازار عشق  
هر که سر از پانی داند در این سودا سر است (خارج از کشور ۹۶)
- سودا: ۱-معامله-۲-عشق



گر نوازش یا بهم از ایام رسوا می‌شوم (انسان ۹۶)

نوازش: ۱- نواختن ساز ۲- نوازش و مهربانی

بر گوشۀ چشم آمد و بر جای تو بنشست (خارج از کشور ۹۷)

بیفتاده: ۱- افتاده ۲- بی‌ارزش شده

باری به هیچ روی ز من روی برمتاب (تیری ۹۷)

روی (دومی): ۱- صورت، چهره ۲- جهت

در چمن سرو به بالای تو می‌ماند راست (ریاضی ۹۷)

راست: ۱- راست‌قامت ۲- به راستی

باز پرسید خدا را که به پروانه کیست (انسان ۹۷)

پروانه: ۱- حشره ۲- مجاز

دست آخر همه را باخته می‌باید رفت (هنر ۹۷)

دست آخر: ۱- آخرین سری بازی ۲- سرانجام

در هلاک خویش چون پروانه بی‌تاییم ما (خارج از کشور ۹۷)

بی‌تاییم: ۱- بدون تابش ۲- آشفته و بی‌قرار

گوییمش این چنین بکن صورت قوس و مشتری (انسان ۹۷)

صورت: ۱- چهره ۲- تمثیل، تقاضی

سودی که ز سودای تو کردیم زیان شد (انسان ۹۷)

سودا: ۱- معامله ۲- عشق

مرا که میل عراق است و شاهدان عراقی (خارج از کشور ۹۷)

عراق: ۱- ساحل آب، عراق ۲- اصطلاح موسیقی

ساز بی‌آهنگ و یکسر نوایم خارج است

از دیده بیفتاده سرشکم که به شوخی

بر روی چون مه ارجه بتایی کمند زلف

چون قد سرو خرام تو بگویم سخنی

دولت صحبت آن شمع سعادت پرتو

من گرفتم که قمار از همه عالم بردی

می‌شود روشن ز خاموشی چراغ عاشقان

نسخه چشم و ابرویت پیش نگارگر برم

نقدي که ز بازار تو بردیم تلف گشت

نوای نغمۀ عشاق از اصفهان چه خوش آید

عشاق: ۱- عاشقان ۲- اصطلاح موسیقی

اسفهان: ۱- شهر اصفهان ۲- اصطلاح موسیقی

## ایهام‌تناسب

در ایهام یک کلمه دو معنی داشت و هر دو معنی صحیح بود ولی در ایهام تناسب یکی از دو معنی کلمه، در آن بیت کاربرد ندارد ولی با کلمه‌ای در همان بیت تناسب دارد که ما با دیدن آن کلمه به

معنی دوم آن پی‌می‌بریم و آن معنای دوم هم برایمان تداعی می‌شود؛ مثلاً:

گر هزار است بلبل این باغ همه را نغمه و ترانه یکی است

معنی درست: عدد ۱۰۰۰

معنی نادرست: بلبل (کلمات متناسب با معنی نادرست: بلبل، باغ، نغمه و ترانه)

**توضیح** هزار در این بیت فقط در معنای اول صحیح است ولی با دیدن واژه‌های قرینه پی‌می‌بریم که

بلبل هم معنی می‌دهد.

اگر به میکده منصور بگذرد داند که هر که هست در او، چندمرده حلّاج است (ریاضی ۸۲)

پنهان ✓ نام عارف مشهور (منصور) \*

در اصل باید بگوییم: واژه «حلّاج» در معنای پنهان است ولی در معنای «عارف مشهور» که مورد نظر

شاعر نبوده، با واژه «منصور» ایهام تناسب دارد.

## مثال

▪ روی خوبت آیتی از لطف بر ما کشف کرد زان زمان جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما (انسانی ۸۳) آیت: نشانه آریه قرآن (تفسیر) ✗

▪ ز زهد خشک ملولم کجاست باده ناب که بوی باده مدامم دماغ تر دارد (انسانی ۹۶) مدام: همیشه ✗ شراب (باده) ✗

▪ در چنگ آرزویت سوزم چو عود و سازم چون چنگم ار بسازی، چون عودم ار بسوzi (تجربه ۹۶) عود: چوبی که... ✗ نوعی ساز موسیقی (چنگ، بسازی) ✗ چنگ (مصارع اول): چنگال ✗ نوعی ساز (بسازی) ✗

▪ آخر ای مطرب از این پرده عشق بگرد چند گویی که مرا پرده به چنگ تو درید (خارج ازکشور ۹۶) پرده: اصطلاح موسیقی، نغمه ✗ حجاب (درید) ✗ چنگ: دست ✗ وسیله موسیقی (پرده عشق) ✗

▪ دم بهدم چون تار موسیقار در هر پردهای خوشحال ای یارتادر چنگ افتدموی دوست (خارج ازکشور ۹۶) تار: وسیله موسیقی ✗ تار زنف (مو) ✗ چنگ: دست ✗ وسیله موسیقی (تار موسیقار) ✗ پرده: نغمه و آهنگ ✗ حجاب (موی دوست) ✗

▪ بیستون کندن فرهاد نه کاری است شگفت شور شیرین به سر هر که فتد کوهکن است (ریاضی ۸۷) شور: شوق، هیجان ✗ مژه (شیرین) ✗ شیرین: معشوقه فرهاد ✗ مژه (شور) ✗

▪ تانیا بد ز رخت شمع فلک پروانه روشنایی ندهد گند مینایی را (انسانی ۹۲) پروانه: مجوز ✗ حشره (شمع) ✗

▪ صباای کاش می گفتی بدان آهوی مشکین مو که بعد از رام گردیدن خطاكاري است رم کردن (ریاضی ۸۸) آهو: حیوان ✗ عیب (خطا) ✗

▪ صد هزاران بليل خوشگوست در باع وجود گر نباشد چون تو ای سلمان هزاری گو مباش (تجربه ۹۳) هزاران: هزارها، عدد هزار ✗ بليل (ليل) ✗

▪ چشمت به غمزه خانه مردم خراب کرد مخموری ات مباد که خوش مست می روی (خارج ازکشور ۸۸) خراب: ویران ✗ مست (مخمور، مست) ✗

▪ گر قلب دلم را ننهد روان در دمش از دیده شمارم (انسانی ۸۹) قلب: سکه تقابنی ✗ دل (دل) ✗ - [روان، انهم] دارد: ۱- روح که به نقد (سکه طلای خالص) تشییه شده ۲- رایج: نقد روان: پول رایج

▪ هندو به پیش خال تو باشد به چاکری مهر رخ تو راست مه و زهره مشتری (انسانی ۸۹) مشتری: خریدار ✗ سیاره مشتری (مه زهره) ✗ - [مهر]: ۱- عشق ۲- خورشید (مهر رخ: اضافة تشییه) [ ]

▪ ای ز مژگان تو در چشم گلستان خارها گل ز سودای رخت افتاده در بازارها (زبان ۹۶) سودا: عشق ✗ معامله (بازار) ✗

▪ عیش دل شکسته عزا می کنی چرا عیدم تویی که من به تو قربان نیامدی (انسانی ۹۱) قربان: فدا، فدایی ✗ تام عید (عید) ✗

▪ به مهلتی که سپهرت دهد ز راه مرو تو را که گفت که این زال ترک دستان گفت (زبان ۹۱) زال: پیر ✗ لقب پدر رستم (دستان) ✗ - دستان: مکر و حیله ✗ لقب پدر رستم (زال)

▪ آن چه می دانند ماتم تن پرستان، سور ماست دل، نخل دیگران و رایت منصور ماست (ریاضی ۹۶) منصور: پیروز ✗ منصور حاج (دار) ✗



- در عین گوشه‌گیری بودم چو چشم مستت  
و اکنون شدم به مستان چون ابروی تو مایل (زبان ۹۶)  
عین: مثل و مانند ✓ چشم (چشم مستت، ابرو) ✗
- ما که بستیم به دل نقش قد موزونش  
گو مؤتن ز پی بستن قامت باشد (زبان ۹۵)  
قامت: قامت بستن تماز ✓ قد و قامت (قد موزون) ✗
- احرام چه بندیم چو آن قبله نه این جاست  
سعی: سعی و تلاش ✓ یکی از آداب مراسم حج (احرام، قبله مرده) ✗ - مدققاً آرامش ✓ نام مکانی در مذکور برای مراسم حج (احرام، قبله مرده) ✗
- از کیمیای مهر تو زیر گشت روی من  
در سعی چه کوشیم که از مرده صفا رفت (هجر ۹۵)  
از: سعی و تلاش ✓ یکی از آداب مراسم حج (احرام، قبله مرده) ✗
- دل آگاه ز تحریک هوا آسوده است  
نیست از باد، خطر تخت سلیمانی را (زبان ۹۶)  
هوا: عشق، هوا و هوس ✓ هوایی که جریان دارد (باد) ✗
- موشکافی را رواجی نیست در بازار عشق  
هر که سر از پا نمی‌داند در این سودا سر است (ظایح از کشور ۹۶)  
سر (دوم): زنیس، بلندمرتبه ✓ غضوی در بدن (سر، پا) ✗
- جولقی‌ای سربرهنه می‌گذشت  
با سر بی مو، چو پشت طاس و تشترت (کتاب درسی دهم)  
طاس: کاسه ✓ سر بی مو (سر بی مو) ✗
- به می‌پرسنی از آن نقش خود زدم بر آب  
که تا خراب کنم نقش خود پرسنیدن (ظایح از کشور ۹۷)  
خراب: ویران ✓ مست (من پرسنی) ✗
- تو شکرلوب که با خسروی شیرین سخن داری  
کجا آگاهی از شوریده حال کوهکن داری (انتسان ۹۷)  
شیرین: خوش ✓ معشوقة خسرو (خسرو) ✗
- در مجلس دهر، ساز مستی پست است  
نه چنگ و نه قانون و نه دف بر دست است (ظایح از کشور ۹۷)  
قانون: وسیله موسیقی ✓ قانون‌گذاری (مجلس) ✗
- شوخی نرگس نگر که پیش تو بشکفت  
چشم‌دریده ادب نگاه ندارد (زبان ۹۷)  
نگاه: حفظ کردن ✓ نگاه دیدن (چشم) ✗
- قضای لازم است آن را که بر خورشید عشق آرد  
که همچون ذره در مهوش گرفتار هوا ماند (زبان ۹۷)  
مهوش: عشق ✓ خورشید (خورشید) ✗
- نوای نغمه عشاق از اصفهان چه خوش آید  
مرا که میل عراق است و شاهدان عراقی (ظایح از کشور ۹۷)  
نوای نغمه عشاق از اصفهان چه خوش آید  
نو: مبدأ ✓ یکی از مقام‌های موسیقی (عشاق، اصفهان، عراق) ✗



## آزمون جامع ا

۱- مترادف واژه‌های «زره - آواز - زنگ - خوشبخت - سایه‌ها» به ترتیب در کدام گزینه، درست آمده است؟

- (۱) دیهیم - هنگامه - جُلْجَلَه - ادبَار - شِيج ۲) درع - وَيله - جَلَجَل - مُقِيل - اشباه
- (۳) ترگ - غریو - جَلَاجِل - خوشاقبال - كالبدَهَا ۴) افسر - وَيله - جَلَاجِلَه - مُدِير - اشباء
- ۲- در همه گزینه‌ها، هر سه معنی پیشنهادی درست است به جز ..... .

(۱) همایون: خجسته - بخت - مبارک ۲) شریعت: شرع - آیین - راه دین

(۳) مرشد: راهنمای - پیشاوا - ارشادکننده ۴) مرغزار: چراگاه - علفزار - سبزهزار

۳- مترادف واژه‌های «پیام‌اور - نیکویی - حرفة - پسندیده - سرزمین» به ترتیب در کدام گزینه، درست آمده است؟

- (۱) رسول - سپاس - مهارت - درست - مملکت ۲) نبی - منت - صنعت - صواب - مُلَك
- (۳) پیغمبر - یاری‌کردن - پیشه - انتخاب - کشور ۴) واحد - شکر - کار - مصلحت - ولایت
- ۴- در کدام عبارت، غلط املایی یا رسم الخطی وجود دارد؟

(زنای ۹۷)

(۱) عالمی معتبر را مناظره افتاد با یکی از ملحدان و حجت با او بس نیامد، سپر بیانداخت و برگشت.

(۲) چندان که ملاطفت کرد و پرسیدش از کجا بیایی، در قعر بحر موذت چنان غریق بود که مجال نفس نداشت.

(۳) درویشی را شنیدم که در به روی از جهانیان بسته و ملوک و اغنية را در چشم هفت او شوکت و هیبت نمانده.

(۴) جوانی خردمند از فنون فضایل، حظی وافر داشت و طبیعی نافر. چندان که در محافل دانشمندان

نشستی زبان سخن بیستی.

(زبان، تجربی و انسانی ۴۰)

۵- کدام بیت فاده غلط املایی است؟

- ۱) همان که اینش ثنا خواند آش لعنت کرد
- (۲) این بار نار صاققه افتاد بر دلم
- (۳) میزدبهشمیشیر جفامی رفت و می گفت از قفا
- (۴) با چنین کوتاهی عمر بیان نتوان کرد

۶- نویسنده یا سراینده چند مورد از آثار زیر به درستی معروفی نشده‌اند؟

(هفت پیکر: نظامی) - (دادستان‌های صاحبدلان: زهرای کیا) - (من زنده‌ام: معصومه آباد)

(دادستان‌های دل‌انگیز ادب فارسی: محمدی اشتهاردی) - (لطایف الطوایف: فخر الدین علی صفوی)

(اسرار التوحید: ابوسعید ابوالخیر) - (سیاست‌نامه: خواجه نظام‌الملک) - (الهی‌نامه: عطّار)

(اخلاق محسنی: محمد بن منور)

- (۱) دو
- (۲) سه
- (۳) چهار
- (۴) پنج

۷- در کدام مجموعه، اثر یکی از شاعران یا نویسنده‌گان به درستی معروفی نشده است؟

(۱) تاگور (سراینده ماه نو و مرغان آواره) - مولوی (سراینده غزلیات شمس)

(۲) محمدعلی اسلامی ندوشن (نویسنده روزهای) - جامی (شاعر تحفه‌الآخر)

(۳) باذل مشهدی (شاعر حمله حیدری) - نصرالله منشی (نویسنده کلیله و دمنه)

(۴) نجف دریابندری (مترجم پیامبر و دیوانه) - نظامی (شاعر منظومه لیلی و مجnoon)



۸- نویسنده‌گان مطالب «خاکریز - جاسوسی که الاغ بود - تیرانا - آن شب عزیز» به ترتیب در کدام گزینه به درستی معراجی شده‌اند؟

- (۱) عیسی سلمانی - احمد عربلو - سید مهدی شجاعی - مهرداد اوستا
- (۲) احمد عربلو - عیسی سلمانی - مهرداد اوستا - سید مهدی شجاعی
- (۳) عیسی سلمانی - احمد عربلو - مهرداد اوستا - سید مهدی شجاعی
- (۴) احمد عربلو - عیسی سلمانی - سید مهدی شجاعی - مهرداد اوستا

۹- آرایه‌های بیت زیر، کدام است؟

«قضای لازم است آن را که بر خورشید عشق آرد که همچون ذره در مهرش گرفتار هوا ماند»

- (۱) تشییه - ایهام - مجاز
- (۲) استعاره - ایهام تناسب
- (۳) استعاره - کنایه - مجاز

۱۰- در کدام بیت، یکی از آرایه‌های مقابله آن نادرست ذکر شده است؟

(۱) چون قد سرو خرام تو بگویم سخنی

در چمن سرو به بالای تو می‌ماند راست (تیاز، اینجا)

(۲) عنبر زلف تو بر کافور می‌پندد نقاب

سنبل خط تو بر یاقوت می‌آرد برات (تشییه، استعاره)

(۳) پیر چون زنده‌دل افتاد، ز جوان کمر نیست

می‌برد زنگ ز دل صبح به گیسوی سفید (اسلوب معادله، ایهام تناسب)

(۴) خامی چو من بین سوخته و آتش ز جان افروخته

گر پخته‌ای، خامی مکن و آن پخته درده خام را (تضاد، پارادوکس)

۱۱- آرایه‌های «واج‌آرایی، ایهام تناسب، استعاره و پارادوکس»، به ترتیب، در کدام ایيات، آمده است؟

- |                                    |                                   |
|------------------------------------|-----------------------------------|
| الف) شوخی نرگس نگر که پیش تو بشکفت | چشم‌دریده ادب نگاه ندارد          |
| ب) این قصه عجب شنو از بخت واژگون   | ما را بکشت یار به انفاس عیسوی     |
| پ) جام مینایی می سدّره تنگدلی است  | منه از دست که سیل غمّت از جا ببرد |
| ت) نقاب گل کشید و زلف سنبل         | گره‌بند قبای غنچه واکرد           |

(۱) الف - پ - ت - ب

(۲) ب - الف - ت - پ

(۳) پ - الف - ت - ب

۱۲- در عبارات زیر، به ترتیب، «زمان افعال» کدام است؟

«این مطلب را داشته باشید و حالا سری به مدرساهای که در آن تحصیل می‌کردم، بزنیم.»

(۱) ماضی ساده - ماضی مستمر - مضارع التزامی (۲) ماضی التزامی - ماضی مستمر - مضارع مستمر

(۳) ماضی مستمر - ماضی استمراری - مضارع مستمر (۴) ماضی التزامی - ماضی استمراری - مضارع التزامی

۱۳- در کدام مورد، از بن مضارع همه مصدرهای آن با افزودن پسوند «ه» می‌توان «اسم» ساخت؟

(۱) گرفتن - دیدن - نشاندن

(۲) گریستن - خنده‌یدن - خربیدن

(۳) پوشیدن - نوشتن - خواستن

(۴) اندیشیدن - پیراستن - آویختن

(۱) گرفتن - دیدن - نشاندن

(۲) گریستن - خنده‌یدن - خربیدن

(۳) پوشیدن - نوشتن - خواستن

(۴) اندیشیدن - پیراستن - آویختن

## ۱۴- در کدام بیت قافیه‌ها نقش دستوری متفاوتی دارند؟

- (۱) در جام من می‌پیش تر کن ساقی امشب  
 (۲) من زخم‌دار تیغ قابیلم برادر  
 (۳) تنگ است ما راخانه تنگ است ای برادر  
 (۴) امشب ای ماه به درد دل من تسکینی آخرای ماه تو هم‌درد من مسکینی

## ۱۵- در کدام عبارت وابسته، صفتِ مضاف‌الیه است؟

- (۱) همه چهار پایان بزی و پرنده‌گان جوی زوج زوج به نزد وی می‌آمدند و شادمان با وی سخن می‌گفتند.  
 (۲) در روزگاران پیشین راهبی در بالای تپه‌های سرسبز زندگی می‌کرد که روانی زلال همچون برف داشت.  
 (۳) روزی راهب از عشق حرف می‌زد، یوزپلنگی گفت: درباره معشوقه‌تان هم سخنی بگویید. راهب گفت: من معشوقه‌ای ندارم.  
 (۴) رشتۀ عطوفت چنان آنان را به هم می‌رشت که تا غروب با هم سر می‌کردند و سرانجام راهب آنان را به باد و جنگل می‌سپرد.

## ۱۶- در کدام گزینه، همه واژه‌های مرکب، در حقیقت یک گروه اسمی است که به هنگام ترکیب، جای هسته و وابسته عوض شده است؟

- (۱) گلخانه - گردن بند - گلاب - شب کلاه  
 (۲) خون‌بها - خاریشت - دماسنج - نخست وزیر  
 (۳) آلوپیخارا - زیردست - رهگذر - نی‌شکر  
 (۴) دست‌مایه - گوش‌مال - کاه‌گل - خودتراش

## ۱۷- مفهوم کدام بیت، از دیگر ایيات دور است؟

روشن است این که دل و دلبر و جانانه یکی است  
 آتش و شمع و شب و مجلس و پروانه یکی است  
 معنی دام آگر یافته‌ای، دانه یکی است  
 شاه و درویش در این منزل ویرانه یکی است

- (۱) چشم احول ز خطاط گرچه دو بیند یک را  
 (۲) اختلافی زره صورت اگر هست چه باک  
 (۳) صورت آدم و حوا به حقیقت دام است  
 (۴) چون «نسیمی» طلب گیج بقاکن که یقین

۱۸- در تمام ایيات یه‌جز بیت \_\_\_\_\_، به «عدم وابستگی به تعلقات دنیایی» اشاره شده است.

ای جهان دیده ثبات قدم از سفله مجوی  
 هرچه غیر از عشق او بند است بگسل بند خویش  
 گرز ز پای دلت این بند عالیق خیزد  
 ز خل و حشیان سازد حصار خانه در صحرا

- (۱) سفله طبع است جهان، بر کرمش تکیه مکن  
 (۲) جان و دل پیوند کن با یار بی مانند خویش  
 (۳) در ره عشق رسی زود به جایی واعظ  
 (۴) کسی آزاد از بند عالیق نیست مجذون هم

(هنر)

اگر از جور غم عشق تو دادی طلبیم،  
 به تدبیر از خم بندش نجستم  
 مرگش ز هم نبزد عهدی که با تو بستم  
 طشت ز زینم و پیوند نگیرم به سریش  
 آسوده‌ام به ناله ناسودمند خویش

- (۱) به شمشیر از سر کویش نرفتم  
 (۲) تیغش جدا نسازد دستی که با تو دادم  
 (۳) زخم شمشیر غمت را نفهم مرهم کس  
 (۴) با ناله در غم تو ز بس خو گرفته‌ام



(هنر ۹۳)

## ۲۰- مفهوم کدام بیت با سایر ایيات تفاوت دارد؟

- بس خاری‌ها که آن یاری بود  
وی بسا درد کان تو را داروست  
ای بسا درد که باشد به حقیقت درمان  
از علاج مردم بسی درد می‌باید گذشت
- (۱) بس عداوت‌ها که آن یاری بود  
(۲) ای بسا شیر کان تو را آهوست  
(۳) رنج بیماری تو گنج زر آورد ثم  
(۴) درد بی دردی به جز مردن ندارد چهاراهی

(تجربی ۸۸)

## ۲۱- مفهوم کدام بیت، متفاوت با سایر ایيات است؟

- روانمان بدان سر گرامی بود  
از این زیستان با هراس و گزند  
فروغ دروغ آورد کاستی  
مرا نام باید که تن مرگ راست
- (۱) اگر توشه‌مان نیکنامی بود  
(۲) همان مرگ بهتر به نام بلند  
(۳) هر آن جا که روشن شود راستی  
(۴) به نام نکو گر بمیرم رواست

۲۲- بیت «دود اگر بالا نشیند، کسر شان شعله نیست / جای چشم ابرو نگیرد، گرچه او بالاتر است» با همه ایيات به استثنای بیت قرابت مفهومی دارد.

- نه هر کس که او مهتر او بهتر است  
هر پاشکسته‌ای به در دل نمی‌رسد  
پایی به خواب رفته به آهو نمی‌رسد  
آشتفتگی به زلف تو یک مو نمی‌رسد
- (۱) به سال ار برادر ز من مهتر است  
(۲) در اولین قدم پر جبریل عقل سوخت  
(۳) هرگز به چشم، شوخي ابرو نمی‌رسد  
(۴) گر شانه خود از دل صد چاک من کنی

(انسان ۹۶)

دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را  
باز چون فرهاد، عاشق بر لب شیرین اوست  
وین نیست یقین تو که در عین شکستی  
با پرشانی دل شوریده چشم خواب داشت  
در دولت خاقان نتوان کرد خلافت

## ۲۳- بیت زیر با کدام بیت ارتباط معنایی ندارد؟

- عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را  
عقل باری خسروی می‌کرد برق ملک وجود  
عقل آمد و عقل از بی بیچارگیش رفت  
در تفکر، عقل مسکین پایمال عشق شد
- (۱) عقل باری خسروی می‌کرد برق ملک وجود  
(۲) عشق آمد و عقل از بی بیچارگیش رفت  
(۳) در تفکر، عقل مسکین پایمال عشق شد  
(۴) ای عقل نگفتم که تو در عشق نگنجی

(تجربی ۹۶)

## ۲۴- مفهوم بیت زیر، با کدام بیت تناسب دارد؟

کی گذاین جامقام مرغ کر آن بصر خاست  
ساقی گلچهره کو و مطروب خوشگو کجاست  
گل دیده‌ام امروز که بلبل شده‌ام باز  
در اوج سدره کوش که فرخنده‌طایری  
زان که با زاغ و زغن شهپر دولت نبود

- خلق چو مرغاییان زاده ز دریای جان  
ا) منزلی خوش‌خانه‌دلکش مقامی دلگشاست  
ب) هر لحظه چرا مرغ دلم دوست نخواند  
c) چون بوم (جعد) بدخبر مفکن سایه‌بر خراب  
d) دولت از مرغ همایون طلب و سایه او

۲۵- مفهوم مقابل بیت «بنده همان بی که ز تقصیر خویش / عنز به درگاه خدای آورد» در کدام گزینه آمده است؟

- در گوش بدگویان خود عنز گنه تلقین کند  
ورنه ز کم‌هفتی است عنز گنه خواستن  
کار ناخوب کی شود مغفور  
گرچه پرآب انبات بود، بشکستم سبوش
- (۱) جمله‌گناه مجرمان چون برگ‌دی ریزان کند  
(۲) بِه که به پیش کریم ناز کنی وقت جرم  
(۳) جز به پرهیز و زهد و استغفار  
(۴) زاهدی کز خمر عشق توهمی کرد اجتناب

## پاسخ نامه آزمون جامع ا

- ۱- گزینه «۲» درع: جامه جنگی، زره - ۲- یله: صدا، آواز، ناله - ۳- چلاچل: جمع چلچل، زنگ، زنگوله - ۴- مُقبل: خوشبخت، نیکبخت، خوش اقبال - ۵- اشباح: جمع شبح؛ کالبدها، سایه‌ها
- ۶- معانی درست: همایون: نیکبخت، خجسته، مبارک
- ۷- گزینه «۱» نبی: پیغمبر، پیام آور، رسول - ۸- فلت: سپاس، شکر، نیکویی - ۹- صنعت: پیشه، کار، حرفة - صواب: درست، پستدیده، مصلاحت - ۱۰- مُلک: سرزمین، کشور، مملکت
- ۱۱- گزینه «۲» رسم الخط صحیح: بینداخت
- ۱۲- گزینه «۳» ال: درد و رنج به همین شکل صحیح است. (علم: بیرق) املای درست: گزینه
- (۱) حجر: سنگ (وحر: دوری) / گزینه (۲): صاعقه: آذرخش، آتشی که بر اثر رعد و برق شدید پدید آید. / گزینه (۴): امل: آزو (عمل: کار)
- ۱۳- گزینه «۳» شکل درست: داستان‌های صاحبدلان: محمدی اشتهرادی - داستان‌های دل‌انگیز
- ۱۴- ادب فارسی: زهرا کیا (خانلاری) - اسرارالتوحید: محمد بن منور - اخلاق محسنه: حسین واعظ کاشفی
- ۱۵- گزینه «۳» شکل درست: نصرالله منشی مترجم کلیله و دمنه
- ۱۶- گزینه «۳» ۷- گزینه «۳» آرایه‌های بیت: تشبیه: همچون ذره - استعاره: ذره در مهر خورشید گرفتار است، تشخیص و استعاره - ایهام تناسب: واژه «مهر» در معنای خورشید که در بیت، مورد نظر شاعر نیست، با «خورشید» ایهام تناسب دارد.
- ۱۷- گزینه «۳» آرایه‌های ایيات: گزینه (۱): مجاز: چمن، مجاز از باغ و گلستان - ایهام: راست: (۱) مستقیم (۲) دقیقاً/ گزینه (۲): تشبیه: عنبر زلف و سنبل خط (اضافه تشبیه) - تشخیص و استعاره: بر کافور نقابستن و بر یاقوت برات‌آوردن / گزینه (۳): اسلوب معادله: پیر معادل صبح و زنده‌دلی معادل گیسوی سفید - ایهام تناسب: ندارد / گزینه (۴): تضاد: خام و پخته - پارادوکس: خامی چو من بین سوخته آرایه‌های ایيات: (الف) ایهام تناسب: نگاه، در معنی نگاه‌کردن با چشم ایهام تناسب دارد. / (ب) پارادوکس: ما را بکشت یار به انفاس عیسوی (در حالی که انفاس عیسوی، زنده کننده است) / (پ) واج‌آرایی: تکرار صامتهای «م» و «ی» / (ت) استعاره: نقاب گل، زلف سنبل و قبای غنچه (اضافه استعاری)، تشخیص و استعاره
- ۱۸- گزینه «۴»
- ۱۹- گزینه «۴» الگوی «بن مضارع + ه» = اسم: گزینه (۱): گیره، نشانه / گزینه (۲): گریه، خنده / گزینه (۳): پوشه، نویسه / گزینه (۴): اندیشه، پیرایه، آویزه
- ۲۰- گزینه «۴» ۱۴- گزینه (۱): پیش‌تر و بیشتر: گروه قدری / گزینه (۲): قabil و هابیل: مضاف‌الیه / گزینه (۳): تنگ و ننگ: مسنده / گزینه (۴): تسکین: مسنده - مسکین: صفت
- ۲۱- گزینه «۲» وابسته وابسته: بالای تپه‌های سرسیز (سرسبز) صفت مضاف‌الیه است.
- ۲۲- گزینه «۱» جای هسته و وابسته عوض شده است: گلخانه: خانه گل - گردن‌بند: بند گردن - گلاب: آب گل - شب‌کلاه: کلاه شب.



- مفهوم بیت چهارم:** شاه و درویش یکی است یعنی هم رتبه هستند و با هم برابرند.  
**مفهوم ایات دیگر:** دل و دلبر و جانانه یکی است، یعنی همه چیز از خداست.
- مفهوم بیت چهارم:** وابستگی و عدم ترک تعاقبات.  
**مفهوم بیت سوال و بیت سوم:** دوست داشتن درد عشق و شکایت نکردن از معشوق به دیگران. **مفهوم ایات دیگر:** گزینه (۱): ترک نکردن معشوق در هر حالتی / گزینه (۲): وفاداری تا زمان مرگ / گزینه (۴): آنس گرفتن با غم و اندوه یار.
- مفهوم بیت چهارم:** نکوهش بی دردی. **مفهوم ایات دیگر:** درد موجب کمال است و به بیان دیگر چیزی که در ظاهر نامطلوب است، می‌تواند مفید باشد.
- مفهوم بیت سوم:** برتری راستی بر دروغ. **مفهوم ایات دیگر:** نیکنامی.
- مفهوم بیت چهارم:** بی توجهی معشوق. **مفهوم بیت سوال و ایات دیگر:** بالانشینی دود یا برادر بزرگ‌تر یا عقل که بالاتر از دل است یا ابرو که بالاتر از چشم است دلیل بر ارزشمندی بر برادر کوچک‌تر، شعله، دل و چشم نیست.
- مفهوم بیت اول:** عاشق شدن عقل. **مفهوم بیت سوال و ایات دیگر:** تقابل عقل و عشق.
- مفهوم بیت سوال و بیت سوم:** بارگشت به اصل. **مفهوم ایات دیگر:** گزینه (۱): فراهم بودن بعضی از مقدمات عیش! / گزینه (۲): عاشق با دیدن معشوق به وجود می‌آید. گزینه (۴): همنشینی با کاملان. آدمی را کامل می‌کند.
- مفهوم بیت دو:** با توجه به مفهوم «مقابل» گزینه (۲) درست است. چون در متن سوال سفارش به عذرخواهی از خداوند است و در گزینه دوم، بر عکس نازکردن و عذرخواهی نکردن است. **مفهوم ایات دیگر:** گزینه (۱): بخشایندگی خداوند / گزینه (۳): توصیه به توبه و استغفار / گزینه (۴): برتری عشق بر پرهیزگاری.